

زنده باد سوسیالیسم!

دوره دوم شماره ۶ // مهر ماه ۱۳۹۹

راه سرخ

ارکان فعالین داخل کشور سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

کارگران
سراسر جهان
متحد شوید!

آزادی

مسکن

کار

آبان ۹۸ تحولی حماسی در پیکار توده ها علیه
جمهوری اسلامی

مرگ شجریان و فرصت طلبی سرمایه داری
عظمت طلب ایرانی

تحریم های آمریکا علیه بانکداری اسلامی
جمهوری اسلامی (!)

جنگ «قره باغ» و رژیم بحران آفرین
جمهوری اسلامی

کارگران فصلی. خدماتی. روزمزد و ضرورت
کار آگاه‌گرانه - سازمان‌گرانه در
محلات و حاشیه شهرها

واژه های سیاسی و اجتماعی

” ای خداوندان ظلمت

شاد!

از بهشت گندتان ما را

جاودانه بی نصیبی باد!



سرنگون باد جمهوری اسلامی، برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی!

آبان ۹۸ تحولی حماسی در پیکار توده ها علیه جمهوری اسلامی

یک سال از قیام حماسی آبان گذشته است قیامی که با کشته شدن قریب به ۱۵۰۰ تن بعضا کودک توسط مزدوران جنایتکار جمهوری اسلامی و دستگیری و به اسارت بردن بیش از هشت هزار نفر موقتا خاموش شد ولی نقطه عطفی در تاریخ چهل و دو ساله مبارزه بر علیه این رژیم ددمنش رقم خورد اینبار کسانی به خیابانها آمدند که کارگزاران رژیم همواره از شورش آنها نگران بودند و تاکید میکردند چنانچه گرسنگان و پا برهنگان به خیابان بریزند کاری نمیتوانیم بکنیم، گرسنگانی که در طی چند روز چنان گوشه ای از عزم و اراده و قدرت خود را نشان دادند و چنان هراسی به جان حاکمان انداختند که بعد از اعمال جنایتکارانه دهه شصت بار دیگر به خونریزی و جنایت علنی روی آوردند و با شلیک مستقیم و به قصد کشت صدها نفر را به خاک و خون کشیدند تا بلکه بتوانند آتش خشم و کین توده ها را که بنیانهای رژیم را نشانه گرفته بود خاموش کنند ولی زهی خیال باطل، آنچه موجب شعله ور شدن این آتش شده خود رژیم و تمامی اعوان و انصارو تمامی جناحهای آن است که چنین زندگی فلاکت باری، چنین فقر و گرسنگی و بی خانمانی و فساد، چنین نابرابری و بی عدالتی و استبدادی را برقرار کرده است. این آتش خاموش نخواهد شد جز با سرنگونی و مرگ جمهوری اسلامی، چنانکه در آبان ۹۸ کارگران و زحمتکشان و جوانان در بیش از دویست شهر یک صدا فریاد " مرگ بر جمهوری اسلامی " سر دادند و بدین طریق فصل جدیدی گشودند .



اینک بعد از یک سال و با تشدید بحران اقتصادی و افزایش وحشتناک بیکاری و تورم و فقر توده ها همه بخشهای سرمایه داری هراسان از فوران آتشفشان خشم و کین توده ها به تکاپو افتاده اند ، جمهوری اسلامی در کنار سازماندهی و مجهز کردن نیروهای سرکوبگرش در پی آن است با بهره برداری از بیماری کرونا که خود عامل اصلی شیوع گسترده آن بوده با پخش اخبار راست و دروغ و هر چه بیشتر درگیر کردن مردم با این بیماری تمامی اذهان را مشغول کند به این امید که در انتخابات آمریکا دمکراتها بر سر کار آیند و طبق قولی که داده اند ناجی آن شوند، بخش دیگری از سرمایه داری که نام اپوزسیون بر خود نهاده اند نگران از آینده مناسبات سرمایه داری در ایران که در صورت قیام فراگیر توده ها و ناتوانی رژیم در مهار انقلاب، با خطر جدی مواجه خواهد شد، به تکاپو افتاده اند و با فریبکاری و تبلیغات دروغین سعی در تطهیر و موجه جلوه دادن رژیم فاسد و مستبد و جنایتکار پهلوی، خصوصا برای جوانان که آن دوران را ندیده اند، تنها جایگزین جمهوری اسلامی و نجات ایران و ایرانی و دراصل نجات مناسبات سرمایه داری را بازگشت به عصر باشکوه ! و طلایی ! سلطنت معرفی کنند . در حالی که پهلوی و اسلامی فقط در نوع لباس و نوع

گفتنمان تفاوت دارند و هر دو یک رسالت بر دوش داشته اند و توده ها با شعار " مرگ بر ستمگر چه شاه باشه چه رهبر " جوابشان را داده اند، گروهی دیگر از جیره خواران سرمایه داری هر چند اندک اما با جار و جنجال بسیار، با به سینه زدن سنگ توده ها و با رنگ و لعاب کمونیستی و موجه جلوه دادن خود با در باغ سبز نشان دادن روابط و مناسبات به اصطلاح غربی در برابر تحجر و ددمنشی جمهوری اسلامی، به نجات سرمایه برخواسته اند . اینک وظیفه تک تک ماست که با هوشیاری و درک درست از موقعیت انقلاب و دشمنان ریز و درشت و رنگارنگ آن، این آگاهی را به درون توده ها ببریم و با سازماندهی و متشکل کردن آنها، گامهای بلندی برای متلاشی کردن صف ضد انقلاب و تحقق اهداف انقلاب کارگران و زحمتکشان برداریم، بدین منظور ما فعالین داخل کشور سازمان اتحاد فداییان کمونیست به تبعیت از رهبری سازمان ، بار دیگر همه انقلابیون کمونیست را دعوت به همکاری مینماییم و دستشان را با اشتیاق میفشاریم تا در قالب یک جبهه فراگیر و ایجاد ستادی سازمانده و راهبر در داخل کشور با تقویت و سازماندهی صف انقلاب، نیرو و توان مضاعفی به مبارزات کارگران و زحمتکشان و توده های ستمدیده و فرو دست ببخشیم . بدین منظور آمادگی خود را برای هر گونه همکاری در چهار جوب اصول سازمانان اعلام میکنیم و تمامی امکاناتمان را در خدمت شکل بخشیدن به این ستاد رهبری قرار میدهیم .
مرگ بر رژیم ددمنش جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری فدراتیو شورایی
زنده باد سوسیالیسم
سازمان اتحاد فداییان کمونیست
کمیته ایالتی تهران ۲۶/۷/۹۹

یافت نشده، هیچ جمعیتی در هیچ کجا نتوانستند برای اغلب آن‌ها تجمع کنند، هیچ جمعیتی در سوگ آنها نتوانستند مویه و زاری کنند. مشکل این نیست که چرا عده‌ای دوست‌دار شجریان در سوگش تجمع می‌کنند بلکه مهم این است که بنگریم چگونه دستگاه‌های تبلیغاتی سرمایه‌داری برای ما اسطوره می‌سازند و چگونه ما را به بازی می‌گیرند. در دورانی که توده‌های مردم

درغم از دست دادن فرزندان‌شان حتی اجازه گریه کردن ندارند و همراه و همدردی نمی‌یابند برای فردی که بی‌هیچ تردیدی از نویدها و لقمان‌ها و رامین‌ها و هزاران هزار انسان گمنامی که در دهی شصت، نود و شش، نود و هفت، آن‌ها نود و هشت جان باختند، بالاتر نبوده، عده‌ای چنین بی‌تاب و بی‌قرار می‌شوند؟ در دورانی که بیکاری و فقر بی‌داد می‌کند و رژیم قرون وسطایی و جانی با تمامی توان سرکوبش، می‌کوشد سکوت و رخوت گورستانی حاکم بر جامعه را حفظ کند، بخشی از سرمایه‌داری با خاکسپاری شجریان در آرامگاه فردوسی به دنبال نبش قبر و زنده کردن مجد و عظمت ایرانی بودند، مجد و عظمتی که در طول تاریخ فقط ملاکان و زمین‌داران بزرگ و اشراف و سرمایه‌داران امروز از آن بهره برده‌اند و برای توده، همواره فقر و گرسنگی و استئمار و بی‌خانمانی به ارمغان آورده‌اند. توده‌ها نیز به خوبی با شعار «مرگ بر ستمگر/ چه شاه باشه چه رهبر» جواب آن‌ها را داده‌اند، این توده‌های آگاه و مبارز هستند که تعیین می‌کنند بهترین گزینه، برای جمهوری اسلامی چیست و تاریخ گذشتگان را هیچ‌گاه از یاد نخواهند برد.

مسعود



هوادارانش است] به یکباره شجاعت به خرج می‌دهد و با طرح «پیمان نوین» همه را دعوت به برپایی اعتصاب و شورش برای سرنگونی رژیم مینماید و در داخل مرگ شجریان و دفن حماسی‌گونه (!) او در آرامگاه فردوسی شرایطی را فراهم می‌آورد تا ناسیونالیسم متوهم ایرانی خودی بنماید. واقعیت این است که شجریان به خوبی زیست؛ شهره آفاق گشت؛ از تمامی مواهب زندگی بهره‌مند شد و در دورانی که بخش اعظم مردم این سرزمین توان تهیه ساده‌ترین داروها را ندارند، مدت چهار سال تحت کامل‌ترین و مدرترین مراقبت‌های پزشکی قرار داشت و در دورانی که جوانان پاک و دلاور در آغازین روزهای زندگی‌شان در جای‌جای این سرزمین در گمنامی سر به‌دار شده‌اند و می‌شوند، ایشان در سن هشتاد سالگی فوت می‌کنند و انبوهی جلوی بیمارستان و و بهشت-زهره و هنگام تشیع جنازه و خاکسپاری وی جمع می‌شوند درحالی که هزاران زن و مرد شجاع که هنوز لذت زندگی و عشق و خانواده و شادی و آسایش را نچشیده بودند و هیچ خواسته‌ای برای خود نداشتند به دست دژخیمان جمهوری اسلامی به قتل رسیدند و در اغلب موارد نه تنها نامی از آن‌ها در خاطره‌ها نماند بلکه در موارد بسیاری هیچ آثاری از جسم بی‌جان‌شان هم

هفدهم مهرماه همراه بود با خبر فوت شجریان یکی از اساتید برجسته و بزرگ موسیقی سنتی ایران که به دلیل بیماری در سن هشتادسالگی رخ داد، موقعیت و نقش ارزشمند شجریان در موسیقی ایران بر همگان آشکار و غیرقابل‌انکار است و مرگ او فقدان برای این هنر مردمی محسوب می‌شود، نکته‌ی اصلی نحوه‌ی برخورد رسانه‌های سرمایه‌داری در چگونگی پوشش این خبر است که تمام تلاش‌شان را به کار بردند تا از او اسطوره‌ای ملی و میهنی با چاشنی مبارزاتی بسازند. در شرایطی که مناسبات سرمایه با چالش بزرگی مواجه شده و رژیمی که با رسالت حفظ و تقویت این مناسبات ارتجاعی بر روی کار آمده اکنون با فساد گسترده‌ای که تمام تاروپودش را در بر گرفته و به همراه تحریم‌های وسیع آمریکا عملاً ناتوان از انجام این رسالت است شبکه‌های تلویزیونی مانند B.B.C و من‌وتو و ایران‌اینترنشنال به صرافت افتاده‌اند و به گمان این که بعد از چهل سال دوران اسفناک رژیم فاسد پهلوی فراموش شده است نبش قبر کرده‌اند و با توصیف عظمت و اقتدار و پیشرفت ایران و ایرانی در دوران پهلوی سعی دارند چنین القا کنند که تنها جایگزین جمهوری اسلامی باز گرداندن آن عظمت است و لیدر آن‌ها پهلوی سوم [که بزدلی و ناتوانیش همیشه مورد انتقاد



به مناسبت تحریم‌های آمریکا علیه بانکداری اسلامی جمهوری اسلامی

فوژان

یابد. و هم‌اینک هم که فرودستان هرچه بیشتر تحت فشار اقتصادی ناشی از بی‌کفایتی‌هایش کمر خم می‌کنند، با وقاحت تمام بیش از آنکه از رکوردهای بالارفتن نرخ اجناس اساسی و آمار فاجعه بار کرونا و وضع معیشت کارگران و آثار جانبی تحریم‌های اقتصادی بانکی که ناشی از اقدامات شبه نظامی خودش است، برای فرودستان نگران باشد، شعار تبریک پیروزی در «شکسته شدن تحریم‌های تسلیحاتی‌اش» را سرمی‌دهد! شکسته شدن تحریم‌های تسلیحاتی‌ای که نه تنها سودی برای معیشت خلق ندارد، بلکه بیش از پیش دست حاکمیت جلاد جمهوری اسلامی را هم در منطقه و هم در داخل برای سرکوب خلق و هم خارج برای جنگ طلبی و تقویت گروه‌های تروریستی تکفیری و اعمال تمامیت‌خواهی (توتالیتریسم) جمهوری اسلامی باز می‌گذارد!

فرودستان و کارگران و روشنفکران باید در این جدال نیک بدانند، اگرچه رقابت ایران و قدرت امپریالیستی آمریکا در شرایط کنونی و ادعاهای هردو، جز برای منافع و بسط و تقویت قدرت خود نیست و امریکای امپریالیستی نیز هرگز دلسوز و حامی منافع خلق فرودست ایران نبوده و نخواهد بود و تاریخ گواه

دوران کرونا برای مردم ایران نابود کرده است و به این دلیل است که دولت نمی‌تواند از جان و معیشت مردم حمایت کند! لازم به یادآوریست که رقابت دو دولت سرمایه‌داری ایران و آمریکا که پیش از دولت ترامپ بر سر منافع مشترک در منطقه با همدستی‌های مخفیانه‌ی ایران و آمریکا علی‌الخصوص درباره‌ی فروش و عرضه‌ی تسلیحات و جنگ زرگری در منطقه پیش میرفت، اینک در دولت ترامپ با واکنش‌های حداکثری رقابت جویانه و خصمانه‌ی صورت گرفته و پس از مرگ قاسم سلیمانی و اعمال تحریم‌های نو، جمهوری اسلامی دریافته است که حال که امکان رایزنی مخفیانه با دولت آمریکا را بر سر تسلیحات دیگر ندارد، برای بقای قدرت منطقه‌ای خود و گریز از مسوولیت‌های اقتصادی‌اش در برابر ملت، تنها یا باید به تنش و بحرانی جدید مثل جنگ تن در دهد و نقش قربانی را در آن ایفا کند و با ایجاد بستر احیای احساسات ناسیونالیستی و مذهبی دوباره، مغری برای خود از بحران اقتصاد سیاسی کنونی‌اش یابد و یا در انتظار پیروزی «جو بایدن» [که با ماجرای افشای ایمیل‌ها، سیاست حمایتی جناحش از سپاه و جمهوری اسلامی محرز شده است] در انتخابات آمریکا باشد تا بلکه نجات

دولت آمریکا در اقدامی جدید تحریم‌های وسیعی را علیه بانکداری اسلامی ایران اعمال کرده است. توجیه این تحریم‌های جدید که خارج از چهارچوب برجام و راسا به دستور ترامپ، از طرف دولت آمریکا صورت گرفته، نه روش بانکداری جمهوری اسلامی، بلکه با این اتهام است: که حاکمیت جمهوری اسلامی ممکن است از کل نظام بانکداری برای پیشبرد برنامه‌ی اتمی و «نفوذ شوروانه‌ی منطقه‌ای» خود استفاده کند.

و آمریکا، ابر امپریالیست جهانی مدعی است با این تحریم‌ها مانع دسترسی نامشروع جمهوری اسلامی به دلار آمریکا می‌شود و هدفش تضعیف قدرت حاکمیت ایران است.

دولت جمهوری اسلامی هم در مقابل، طبق سیاست‌های مظلوم نمایانه‌ی پرسابقه‌ی خود در عرصه‌ی بین‌المللی، کرونا را بهانه‌ای برای گریز از مسوولیت اقدامات نظامی و مشی جنگ طلبانه-اش (میلیتاریستی) در خاورمیانه و سرپوش گذاشتن بر دلیل اصلی تحریم‌ها قرار داده، و طبق معمول متهم اصلی فشار بر ملت ایران را دشمن خارجی یعنی امریکای امپریالیستی می‌داند و شعار می‌دهد که آمریکا با این تحریم‌ها، تنها کانال‌های موجود برای پرداخت مواد غذایی و دارویی را در

این امر است، لکن دلایل اخیری که دولت آمریکا در این بازی سیاسی در جهت منافع خود، علیه جمهوری اسلامی ایران ارائه داده است، قابل توجه و حاکی از افشا شدن مشی حقیقی جمهوری اسلامی بر همگان است که این ایام حتی از زبان خود سردمداران و وزرا جمهوری اسلامی بر علیه اش شنیده می‌شود!

آنجا که وزیر خارجه‌ی آمریکا اعلام کرد: «مقام‌های دولتی ایران در ماه مارس همزمان با گسترش شیوع ویروس کرونا در کشور از آیت‌الله خامنه‌ای خواستند منابعی را در واکنش به این بحران آزاد کند». علیرغم اطمینانی که خامنه‌ای در این زمینه داد، مقام‌های وزارت بهداشت ایران هفته‌ی پیش فاش کردند که وزارت بهداشت فقط کسر کوچکی از آن را دریافت کرده است. وزیر بهداشت پرسید: «این پول را برای چه کار مهمتری استفاده می‌کنند؟». ما حالا پاسخ این سوال را داریم. در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ خامنه‌ای ۴ میلیارد دلار و بیش از آن راه از صندوق توسعه‌ی ملی ایران برای مخارج نظامی برداشت کرد. و درحالی که وزارت بهداشت برای دریافت منابع لازم برای حفاظت از مردم در برابر شیوع ویروس تمنا می‌کرد، خامنه‌ای در عوض بودجه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که سازمانی تروریستی طبقه‌بندی شده را یک سوم افزایش داد و بودجه‌ی نیروهای بسیج رژیم که هر روز مردم ایران را مرعوب می‌کنند دو برابر کرد.

آری آنچه که مقامات امریکایی بر آن دست گذاشته‌اند و اکنون به نفع خود از آن بهره می‌برند، حقیقتی است که مردم ایران خود سالهاست شاهد هزاران نمونه مانند آن در زیست پر رنج خود

بوده و بارها به بهانه‌ی مناسبت‌های کذایی مذهبی-سیاسی رژیم، شاهدش بوده‌اند.

آنجا که علاوه بر اعتراف وزیر بهداشت ایران راجع به تحویل ندادن بودجه‌ای که به اسم مقابله با کرونا از طرف خامنه‌ای تخصیص داده شده بود، جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران، علی فدوی با وقاحت در برنامه ی صدا و سیمای جمهوری اسلامی اعلام کرد که مجموع هزینه حضور نظامی ایران از سال ۲۰۰۶ تا امروز حدود ۲۰ میلیارد دلار بوده است و هر چه در عراق و سوریه هزینه کرده‌ایم را پس می‌گیریم! و این رقم در مقابل پیروزی‌هایی که ایران در منطقه به دست آورده رقم بزرگی نیست!

آری! حقیقت چنین است که جمهوری اسلامی پلیدی را تا حدی پیش برده که نه تنها از اعلام خرج کردن علنی حق فرودستان در سایر کشورهای برای حفظ قدرتش، واهمه‌ای ندارد، بلکه هزینه‌هایی که کرده راه، کم هم می‌داند! و بر قول خمینی جنایت کار صحنه می‌گذارد که ای مردم «دل خوش به این مقدار نباشد». آری دل خوش به این مقدار نباشید تا سرمایه‌داران ریاکار جمهوری اسلامی به نام دین و وطن، جیب شما را بیش از پیش غارت کرده و با استثمارتان، قلداری و قتل و کشتار خودشان در منطقه را با پوشش اسلام و ذات سرمایه‌داری اثبات کنند.

تلاش‌های رئیس بانک مرکزی جمهوری اسلامی هم با بانک‌های عراق در این ایام، برای آزادسازی منابع مالی کشور، نه در خدمت خلق و تامین نیازهای اساسی مردم، بلکه کمافی‌السابق در خدمت دور زدن تحریم‌ها در جهت هرچه بیشتر میلیتاریزه کردن [جنگ-طلبانه] اقتصاد و سیاست جمهوری

اسلامی در داخل و در منطقه و پیروزی در رقابت با آمریکا، برای انحصار قدرت منطقه‌ای خود می‌باشد.

این بانک‌های وفاداری، که قبلاً در دوران پیشاسرمایه‌داری، نقش دلال-های خرده پا را داشتند و با ظهور سرمایه‌داری تبدیل به الیگارشی‌های مالی در خدمت محض حاکمیت‌ها شدند و پس از انقلاب هم تحت لوای نام «بانکداری اسلامی» و «حرام بودن معاملات ربوی».

بیش از هر بانک سرمایه‌داری غربی‌ای، با تحریف قواعد فقهی اسلام و با دست بردن در احکام عقود اسلامی ای مثل «جعاله» و «مضاربه» و... از طرفی توجیهی کذب برای توده‌ی افیون‌زده‌ی مذهبی فراهم کردند و از طرفی سودهای کلان و همان ربای یهودی را با متد اسلامی از جیب خلق درآوردند و تسهیلات و مبالغ کلان انباشته و سرمایه‌ی مالی را در خدمت سود بردن هرچه بیشتر سرمایه‌داران و استحکام قدرت رژیم، به کار بردند...

پس طبیعی‌ست که تحریم کانال حیاتی بانک‌های رژیم، برای پرداخت‌های منفعت‌طلبانه‌اش به دولت‌ها خارجی و نفوذی‌های خود در منطقه و یا تقویت مالی مشی نظامی‌اش، برایش شکست بزرگی محسوب می‌شود که سعی دارد به هر قیمتی آن را جبران کند، حتی به قیمت بازی تکراری «جنگ» یا «بحران سازی» یا «فشار هرچه بیشتر به معیشت خلق».

و بی‌کار نخواهد نشست. بنابراین فرودستان باید آگاه باشند که اصرار بر بازار تسلیحات و مشی نظامی و مداخلات سیاسی در کشورهای دیگر توسط رژیم، هرچه بیشتر به وخامت روزافزون وضع اقتصادی کارگران در داخل و صرف هزینه‌های هنگفت در دوران اپیدمی به بخش نظامی،



به مناسبت تحریرهای آمریکا علیه بانکداری اسلامی جمهوری اسلامی (!)

به جای درمان و حفظ جان توده‌های ستم دیده می‌شود.

وقتی که بخش قابل ملاحظه‌ای از امکانات صنعتی و تجاری و منابع مالی بخش غیر نظامی، به تولید و توزیع و تجارت سلاح و انباشتن ارزش‌های مادی‌ای که مجموعاً به صورت ذخایر استراتژیک می‌باشند و نفعی برای معیشت و سلامت فرودستان ندارد، می‌شود، از طرفی هم به تقویت نوعی مسابقه‌ی تسلیحاتی که هم به تثبیت و نفوذ و بقای جمهوری اسلامی در منطقه منجر می‌شود و هم سود سرشاری عاید حاکمیت و همپیمانانش می‌کند.

پس کارگران و فرودستان باید در این رقابت بین دول سرمایه‌داری، در عین نفرت از امریکای امپریالیستی، فریب بازی تکراری رژیم که مقصر تمام جنایت‌ها و بی‌کفایتی‌هایش را دشمنان خارجی می‌داند و از این طریق از پاسخگویی در برابر تلف کردن عمر و مال و کار و سلامت خلق ستم دیده ایران می‌گذرد، نخورند و با تمام قوا و آگاهی‌بخشی به هم‌طبقه‌ای‌های خود، هرچه بیشتر خود، زنجیر اتحاد علیه رژیم جانی را محکم‌تر کنند و با اعتصابات و اعتراضات متشکل و متحد، از حق انسانی خویش بی‌هیچ وابستگی به دولت‌های سرمایه‌داری چونان امریکا، دفاع کرده و برای رسیدن به جامعه‌ای برابر، یعنی جامعه‌ی سوسیالیستی (که جمهوری اسلامی و هم‌پیمانان کنونی‌اش چون چین و روسیه و... هیچ نسبتی با آن ندارند) مبارزه نمایند و تا روز سقوط جمهوری سفاک اسلامی، و پیروزی دیکتاتوری کارگری، دست از مبارزه بر ندارند.

از برنامه سازمان اتحاد فدائیان کمونیست:

جهان در زیر سلطه نظام سرمایه داری با بحران همه جانبه اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ، فرهنگی . اکولوژیک مواجه است که خود زائیده نظامی است که در آن اکثریت عظیم تولید کنندگان ، تنها بخش بسیار ناچیزی از نتایج کار خود را تصاحب می کنند در حالیکه بخش زیادی از آن تحت عنوان ارزش اضافی به جیب تعداد قلیلی سرمایه دار که صاحب ابزار تولید هستند سرازیر می شود تا دوباره در استثمار کارگران و باز تولید سود به کار افتد .

تا وقتی که این تضاد باقیست ، بشر نه تنها از بحرانها و مصائب موجود خلاص نمی شود بلکه هر روز به سمت فاجعه ای که ممکن است به نابودی و بازگشت ناپذیری کل حیاتش منتهی شود سوق می یابد .

اما ایدئولوژیها تئورسینها و متفکرین بورژوازی و تمام روبنای فکری ، سیاسی و فرهنگی و اخلاقی آن تلاش می کنند این چهره واقعی نظام سرمایه داری را در هاله ای از تقدس بیوشانند و توده ها را به نتایج اصلاحاتی چند امیدوار و وضعیت موجود را ازلی و ابدی جلوه کنند . زرادخانه بورژوازی با تلفیق ماهرانه ابزارهای کهنه و مدرن و با بکار گیری آخرین دستاوردهای بشر در زمینه وسایل ارتباط جمعی ، نظیر رادیو و تلویزیون ، ماهواره ، کامپیوتر، اینترنت و غیره سعی می کند روبنای ایدئولوژیک ، فرهنگی و اخلاقی جامعه را مطابق نیازهای سرمایه داری سازمان دهد .

برای خلاصی از بحرانها و مصائب ناشی از سرمایه داری باید برای برقراری آنچه‌ان نظام اقتصادی اجتماعی ای تلاش کرد که در آن از مالکیت خصوصی و از استثمار انسان بوسیله انسان خبری نباشد . جامعه ای که در آن قانون از هر کس به اندازه توانش و به هر کس به اندازه نیازش به اجرا در آمده باشد . یعنی جامعه سوسیالیستی و کمونیستی !

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست اتحادی است از کمونیستها که با نگرش نوینی به جامعه خود ایران و جهان وبا الهام از آموزشهای مارکسیسم - لنینیسم و تجربه غنی جنبش کارگری و انقلابی جهان برای ساختن جامعه ای آزاد ، همبسته و عاری از ستم و سرکوب و بهره کشی انسان از انسان مبارزه میکنند. به امید جهانی که در آن از جنگ تبعیض نژادی ، جنسیتی ، مذهبی، مللی و طبقاتی خبری نباشد .

آنچه در قره‌باغ رخ داده، فارغ از سابقه‌ی تاریخی آن و نقش دولت‌های آذری و ارمنی در برافروختن این جنگ ضدانسانی و ارتجاعی که فقط

مطامع مرتجعین حاکم در این دو کشور را تامین می‌کند که خود بررسی جداگانه می‌طلبند، نقش جمهوری اسلامی قابل ارزیابی

است. با نگاهی اجمالی به قدمت چهار دهه‌ای جمهوری اسلامی یک نکته پر اهمیت کلیدی که متضمن بقای این رژیم ددمنش بوده کاملاً مشهود است، رژیم دوران پر چالشی را از سر گذرانده و در این دوران بخصوص بعد از جنگ، استراتژی ثابتی برای خود قرار داده، بحران آفرینی کند و بحرانی را با بحرانی پاسخ دهد. به همین منظور با توسعه‌ی گسترده‌ی فعالیت خود از محدوده‌ی جغرافیایی ایران به سطح منطقه و خاورمیانه‌ی بزرگ تحت لواء حمایت از شیعیان و توسعه‌ی اسلام ناب محمدی و حمایت از محور مقاومت خود ساخته تمام ثروت و دارایی و امکانات این سرزمین را به منظور آشوب آفرینی و ایجاد بحران در منطقه به کار گرفته و بیش از چهار دهه با خونریزی، جنگ آفرینی و جنایت حیات خود را تضمین کرده، چنان‌که ردپای جمهوری اسلامی در همه‌ی درگیری‌های قومی و ملی و دینی و نژادی منطقه به‌وضوح آشکار است از پاکستان، بحرین، یمن، عراق،



جنگ «قره‌باغ» و رژیم بحران آفرین جمهوری اسلامی

سوریه، لبنان، فلسطین، تاسومالی و سودان و نیجریه

و حتی ونزوئلا، ردپایی که به قیمت تاراج ایران صورت گرفته. تمامی جانیان و گروه‌های تبهکار و تروریست یار غار جمهوری اسلامی و جیره‌خوار آن هستند، طالبان سنی در افغانستان، حوثی‌های چهار امامی در یمن، الشباب سنی در سومالی، بوکوحرام در نیجریه، حشدالشعبی عراق، فرقه‌ی جعفری پاکستان، حماس و جهاد اسلامی در فلسطین از همه مهم‌تر حزب‌الله در لبنان و ده‌ها گروه و باند جنایتکار که هر کدام مجری جنگ‌های نیابتی، ایجاد رعب و وحشت در منطقه هستند و تمام یا بخشی از هزینه‌ها و نیازهای مالی آنها توسط جمهوری اسلامی تامین می‌شود، در نتیجه رژیم با این روش حریم امنی برای خود ایجاد کرده است. اینک جنگ قره‌باغ زمینه‌ی مساعدی برای دامن زدن به بحران دیگری را فراهم کرده است، رژیم با همکاری روسیه وقیحانه از یک سو با ارسال سلاح برای ارمنستان سعی در تقویت نیروهای ارمنی دارد و از سوی دیگری ائمه‌ی جمعه چهار

استان ترک‌نشین و «عراقی» رئیس حوزه‌های علمیه قم با دفاع از آذربایجان، خواهان بازگرداندن سرزمین‌های اسلامی (قره باغ) به دامن اسلام شدند، بدین طریق با افزودن هیزم به آتش این جنگ ویرانگر و خانمان‌سوز سعی در تشدید این بحران دارد و تنها چیزی که برای رژیم اهمیت ندارد جان هزاران انسانیست که در نتیجه‌ی این آشوب‌ها و بحران‌ها گرفته خواهد شد همین روش را در داخل همواره به اجرا گذاشته و نتیجه هم گرفته است. آخرین مورد از این دست اقدامات شیوع کرونا و تلاش رژیم در وارد کردن سریع آن به داخل و شیوع گسترده‌ی آن بوده و هم اکنون با توجه به شرایط سخت و تنگناهای مالی شدیدی و بحران عمیق اقتصادی که با آن درگیر است این اپیدمی و مبتلا شدن و مرگ انسان‌های بسیار، ناجی رژیم شده و می‌کوشد پخش مستمر و با آب و تاب اخبار مربوط به آن و مدیریت آمار کشته‌ها در تیتز اول تمامی برنامه‌های خبری و الغا کردن اینکه در شیوع این بیماری مردم مقصرند، اذهان را از مشکلات معیشتی و فقر و بیکاری و تورم وحشتناک و ورشکستگی حاکمیت منحرف کند، درحالی‌که در شیوع و گسترش روزافزون کرونا عامل اصلی خود رژیم است و می‌کوشد آن را مانند شمشیر داموکلس بر سر جامعه حفظ کند.

وضعیت فلاکت‌بار کارگران فصلی، خدماتی، روزمزد و ضرورت کار آگاه-گرانه - سازمان-گرانه در محلات و حاشیه شهرها

یدی شیوانی (منتشر شده در نشریه کار کمونیستی - ۱۸۴)



طبق آمارهای رسمی و تخمینی نزدیک به سه‌ونیم میلیون کارگر زن و مرد روزمزد و فصلی در این مشاغل استثمار می‌شوند، این تعداد میلیونی کارگران فاقد بیمه‌ی بیکاری و تامین اجتماعی هستند و از هیچ‌گونه تضمین شغلی برخوردار نیستند. این بخش از کارگران با شیوع ویروس کرونا تمام مفر درآمد و امرار معاش خود را از دست داده‌اند.

علاوه بر سرکوب به‌مثابه مانع اصلی تشکیل‌یابی کارگران، عوامل دیگری نظیر مشاغل موقت، فصلی و غیررسمی از یک سو و پراکندگی این کارگران در شرکت‌ها، موسسات، پیمانکاری‌ها و کسبه‌ی جزء و یا در مشاغل خانگی از سوی دیگر باعث شده است تا این گروه از کارگران از حداقل تشکل، آگاهی طبقاتی، انسجام و ارتباطات لازم با همدیگر برخوردار نباشند. از طرفی فعالین و تشکل‌های موجود کارگری و سازمان‌های مدافع جنبش کارگری نیز آن‌ها را به فراموشی سپرده‌اند.

ضرورت کار آگاه‌گرانه و سازمان‌گرانه در محلات و حاشیه‌ی شهرها و تعمیم آن به رشته‌ها و رسته‌های مختلف.

اکنون که اعتصابات و اعتراضات کارگری در بسیاری از واحدها جریان دارد و این کارگران در روند مبارزه، در حال کسب آگاهی و در برخی موارد نظیر کارگران پیمانکاری‌های نفت و پتروشیمی

طبق آمارهای موجود بیش از ۹۰ درصد کارگران ایران قرارداد موقت هستند. کارفرماها با بهانه قرار دادن وضعیت کرونایی، به‌جای تامین امنیت و بهداشت محیط کار، کارگران را به مرخصی اجباری و بدون حقوق می‌فرستند و یا اخراج می‌کنند. بخش زیادی از این کارگران در شرکت‌ها، رستوران‌ها، مغازه‌ها و دستفروشی‌هایی شاغلند که اساساً هیچ‌گونه قرارداد و تضمین شغلی را پشتوانه خود ندارند. اخراج به بهانه‌ی شیوع ویروس کرونا و یا رکود بازار و خانه‌نشینی کردن آن‌ها در واقع امر، به گرسنگی کشاندن بیشتر این کارگران و خانواده‌هایشان است. کارگران کسب و کارهای کوچک و متوسط که نزدیک به ۴۰ درصد تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهند، از تامین اجتماعی و بیمه‌ی بیکاری در همان حد نازل کنونی آن نیز [که کارگران رسمی از آن برخوردارند]، محروم هستند. یکی از همین کارگران روزمزد می‌گوید:

«از آنجایی که ما کارگر روزمزد محسوب می‌شویم، شرکت‌های خدمات نظافتی ما را بیمه نمی‌کنند. در این دوران که لاقط برخی کارگران توانستند با دریافت بیمه‌ی بی‌کاری امورات‌شان را بگذرانند، من و خیلی‌های دیگر از این مقرری هم باز ماندیم.»

بعد از شیوع ویروس کرونا موج عظیمی از بیکاری و بی‌مسکنی و ناتوانی در تامین معیشت روزمره، بیش از همه دامن کارگران و زحمت‌کشان جامعه را فرا گرفته است و در این میان موقعیت اقتصادی و معیشت کارگران خدماتی، روزمزد و فصلی اسفناک‌تر از همیشه شده و اکنون موج دوم کرونا از یک سو و تشدید بحران اقتصادی، گرانی سرسام‌آور مایحتاج عمومی و فساد و دزدی و اختلاس‌های میلیاردی از سوی دیگر باعث شده است تا آسیب‌پذیرترین بخش جامعه، دنبال قوت لایموت به هر دری بزند، بدون اینکه دادرسی باشد. بسیاری از این کارگران در پی شیوع ویروس کرونا و تاثیر آن بر کسب و کارهای کوچک، شرکت‌های خدماتی و حتی شرکت‌های بزرگ، از کار بی‌کار شده‌اند. علاوه بر ظلم و ستم و استثمار نظام حاکم و بی‌توجهی مسئولین امور به معیشت و سلامت کارگران، ویروس کرونا نیز همچون تیغی دولبه بجان‌شان افتاده است. اگر در خانه بمانند اندک معیشت خود را نیز از دست می‌دهند و در تلاش برای امرار معاش با خطر سرایت کرونا دست به گریبان هستند. این‌ها بخش بزرگی از کارگران خدمات، ساختمان و کسب و کارهای کوچک هستند که از بیمه‌ی بیکاری و سایر مزایای رسمی در قوانین کار نیز محروم هستند.

توانسته‌اند مبارزات و خواست‌هایشان را بهم گره بزنند و یا کارگرانی که برای دریافت حقوق‌های معوقه، تضمین شغلی و رسمی شدن قراردادهای موقت، افزایش دستمزدها مبارزه می‌کنند؛ پرداختن به امر خواست‌ها و مطالبات کارگران روزمزد و فصلی و تلاش در جهت متشکل و متحد شدن آن‌ها و رساندن صدای آن‌ها به گوش هم‌طبقه‌ای‌های خود از وظایف مهم و مبرم پیش‌روان و پیشاهنگان جنبش کارگری محسوب می‌شوند.

نباید فراموش کرد که بیشتر طغیان‌ها و خیزش‌های توده‌ای سال‌های اخیر به وسیله همین بخش از جنبش کارگری و زحمتکشان محروم و بی‌کاران و حاشیه‌نشینان به‌وقوع پیوسته است و این بخش از کارگران و زحمتکشان با توجه به وضعیت اقتصادی و معیشت‌شان و فشار اقتصادی غیرقابل تحمل بر خانواده‌هایشان، به‌رغم پراکندگی و زندگی در محلات کارگری و حاشیه‌ی شهرها، بیشترین پتانسل را برای خیزش‌های انقلابی در خود دارند. درست به‌همین علت و در هراس از این خیزش‌هاست که رژیم به‌رغم داشتن دستگاه‌های عریض و طویل سرکوب، به فکر سازماندهی گروه‌های ضربت محلات افتاده است. چرا که می‌داند تحمل این همه محرومیت و ظلم و ستم و بی‌چشم‌اندازی و بی‌آیندگی برای میلیون‌ها کارگر بی‌کار و محروم از حداقل درآمد بخور و نمیر، همچون آتش زیر خاکستر به جرقه‌ای بند است تا شعله‌ور گردد.

در این میان وظیفه پیشاهنگ طبقه کارگر و کارگران آگاه و پیشرو است که تلاش کنند با ایجاد کمیته‌ها و تشکل‌های مخفی و نیمه‌علنی در محلات و در میان حاشیه‌نشینان، کارگران فصلی، خدماتی و غیره، زمینه‌ی سازمانیابی این

بخش از کارگران را در ده‌ها و رسته‌ها و رشته‌های مختلف فراهم نمایند و از این طریق به اتحاد سراسری آنها در عرصه‌ی مطالبات، شعارها و نیز سازماندهی و رهبری مبارزات یاری رسانند. طبیعی‌ست که این تشکل‌ها در شرایط سرکوب حاکم نمی‌توانند به یک‌باره گسترش یابند، اما این کمیته‌ها و تشکل‌ها در حد محدود، نیز می‌توانند از طریق جمع‌بندی خواست‌ها و مطالبات فوری این بخش از کارگران؛ نظیر مبارزه با اخراج‌ها، حق کار، تامین اجتماعی و بیمه بیکاری که خواست‌های مبرم این بخش از کارگران است، به ارتقاء سطح آگاهی و اتحاد آنها حول شعار محوری و سراسری کار-مسکن-آزادی یاری رسانند. تلاش در این راستا این امکان را به این کمیته‌ها می‌دهد تا در جریان مبارزه، اعتماد توده‌ها را جلب کنند، با کمیته‌های کارخانه‌های بزرگ و تشکل‌های مخفی و نیمه‌علنی مراکز کارگری بزرگ ارتباط برقرار کنند، شعارها و مطالبات و مبارزات‌شان را هماهنگ سازند و در شرایط و موقعیت انقلابی، خیزش‌های خودبه‌خودی را به خیزش‌های سازمان‌یافته و هدفمند تبدیل کنند و مالا رهبری انقلابی لازمی این خیزش‌ها را تامین نمایند.

یدی شیشوانی- شهریور ۹۹

ما کمونیستهای فدائی چه در درون سازمان و چه در بیرون از آن، همیشه این بحث عمومی را دنبال کرده ایم که چگونه می‌توان ساختمان حزب، برنامه، اساسنامه، سبک کار، استراتژی و را با یک ارزیابی انتقادی از گذشته تاریخی، از بحرانها و از شکستها و پیروزیهای جنبش کارگری و مبارزات طبقاتی نوسازی کنیم. بنابراین بازنگری به گذشته را بمثابة چراغ راه آینده برای واقعی بودن و نتیجه بخش بودن هر برنامه و اقدامی ضروری می‌شماریم.

نشریه «راه سرخ» صدای بی‌صدایان و منعکس کننده مبارزات کارگران و زحمتکشان و فعالین کمونیست داخل کشور میباشد. از طریق ایمیل زیر گزارشات، نظرات و پیشنهادات ارزشمند و انتقادات سازنده خود را با ما در میان بگذارید و ما را در بالا بردن کیفیت نشریه و انجام وظایف انقلابی مان یاری رسانید.

Rah_sorkh@yahoo.com

راه سرخ در اینستاگرام
www.instagram.com/rahe.sorkh/

کانال راه سرخ در تلگرام
https://t.me/rahe_sorkh

و در بستر این مناسبات مالک آن است و این ستم با بهانه‌های گوناگونی از جمله: غیرت، ازدواج اجباری و حتی کودک همسری یا به انقیاد در آوردن و خشونت خانگی خودش را نمایان می‌کند و زن که در این طبقه از امکانات ابتدایی آموزشی و آگاهی‌های فردی و اجتماعی محروم است ناگزیر به این ستم مضاعف تن می‌دهد.

و اما زن طبقه‌ی سرمایه‌دار: او در قالب فمینیسم سرمایه‌داری (فمینیسم بورژوازی) سودای رسیدن به جایگاه اجتماعی مردان اطرافش را دارد، می‌خواهد به میز ریاست تکیه کند، تا او هم در این ابراز قدرت و استثمار نقش داشته باشد، گویی که می‌خواهد با مردان رقابت کند و برنده باشد، رقابت و برد و باختی که از بستر امکانات طبقه‌شان برای آنها فراهم شده است و کاملاً وابسته به ثروت و سرمایه آنها می‌باشد. آن زن پیروزی در این رقابت برایش هدف است گویی اگر روزی با مردان برابر بشود دیگر چیزی برای جنگیدن ندارد [و البته آن روز هم نخواهد آمد چراکه سرمایه‌داری خود از هر تبعیضی از جمله تبعیض جنسیتی برداشتی علیه انسان دارد]. هرچه عمیق‌تر و دقیق‌تر نگاه می‌کنیم می‌بینیم که ستم برای هر طبقه، معنای متفاوتی دارد و نتیجتاً به اینجا می‌رسیم که فمینیست‌های سرمایه‌داری به بیراهه می‌روند، تقلیل می‌یابند و نهایت خواسته‌هایشان می‌شود حق انتخاب پوشش، یا تغییر فلان قانون با حرکت مدنی، بی‌آنکه تغییر ریشه‌ای رخ داده باشد. نگاه آن‌ها که به‌طور دائم به



جنسیتی که در طول تاریخ تحت ستم بوده، قطعاً حمایت می‌شود، تا علاوه بر نیروی کار مردان نیروی کار ارزانتر، و کالای قابل ارائه‌ی دیگری برای نمایش و دسترسی آسان، بهره‌بردار. دفاع در پرده‌ی سرمایه‌داری از مردسالاری، نگاه ابرزاری و کالایی به زن و تبدیل او به نیروی کار ارزان [آن هم در صورت لزوم] همه و همه در سود و بهره‌بری این سیستم نقش دارد؛ علاوه بر اینکه در طبقات محروم‌تر، این ستم بر انسان وجود دارد، برای زنان در این طبقه، به ستم مضاعف تبدیل می‌شود، مرد تحقیر شده و بی‌چیز این طبقه که به‌طور مداوم زیر یوغ اربابان سرمایه در حال استثمار است، به واسطه‌ی زور و سلطه‌ی تاریخی خود ابرزاری را که در اختیار دارد [زن و مناسباتی که زن را مبدل به ابزار می‌کند] مورد ستم قرار می‌دهد، از او کسب درآمد می‌کند و به فکر بهره‌بری و سوددهی این تنها ابزارش می‌باشد. وقتی خود او هر روز در جامعه تحقیر می‌شود، تنها تخلیه‌گاهش برای قدرت‌نمایی و ابراز وجود، زنی‌ست که به عنوان همسر، فرزند، خواهر و یا حتی مادر در اختیار اوست

مسئله فمینیسم هم مثل خیلی از مسائل مطروحه در جامعه‌ی سرمایه‌داری، تقلیل‌یافته و به مسئله‌ای پوچ و مبتذل تبدیل شده است. بدل‌شده به ژستی که تنها مسائل روبنایی را در بر می‌گیرد. نگاه به مسئله‌ی زن اگر ریشه‌ای، عمیق و طبقاتی نباشد، به نگاهی سطحی بدل می‌شود. بررسی این مسئله، که ریشه‌های تاریخی عمیقی دارد و با مسائل دیگر اجتماعی در پروسه تکامل، مثل مالکیت خصوصی و نظام طبقات در هم پیچیده، اگر همه‌جانبه نباشد، بسیار عبث می‌شود. جایگاه زن در جامعه، مقوله‌ای نیست که یک شبه تعریف شده باشد و در ماتریالیسم تاریخی در کنار رشد اجتماعی، برای خود بحث گسترده‌ای دارد و به حاشیه رانده شدن زن در اجتماع کاملاً ریشه مادی و اقتصادی دارد و ظهور مالکیت خصوصی و تسلط بیشتر مردان بر محصول کار، مستقیماً در آن تاثیر دارد. حتی زن تحت ستم در طبقات مختلف، معنای متفاوتی دارد. زن‌ها در طی سالیان دراز مبارزه، برای برابری در کنار مبارزات طبقاتی و جنگ‌های دورانی، تمام تلاش خود را کرده‌اند تا نقشی را که به زور به آن‌ها تحمیل شده تعریف دیگرگونه‌ای ببخشند. در جامعه‌ای که انسان تحقیر می‌شود و شان انسانی بشر تا حد کالا تنزل پیدا می‌کند، صحبت از جنسیت به صورت منفرد، صحبتی کاملاً یک-سویه، غلط، و بی‌نتیجه است. در حالی که ستم و استثمار انسان از انسان هر روز افزون‌تر می‌شود و سرمایه‌داری با روش بهره‌کشی از نیروی کار طبقه‌ای که او را عامدانه محروم نگه می‌دارد، صرفاً به سود فکر می‌کند، نگاه کالایی به زن به عنوان





واژه ها و مقوله های فلسفی، سیاسی و اجتماعی

اکنونیسم

«اکنونیسم» یعنی سر فرود آوردن در مقابل جنبش خود بخودی اقتصادی طبقه کارگر و شانه خالی کردن از الزامات تشکیل و رهبری حزب طبقه کارگر (حزب پرولتری). اکنونیسم گرایشی بود در حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه. این گرایش بر این امر که طبقه کارگر می باید عمده مبارزه خویش را در جبهه اقتصادی برای تامین نیازهای فوری مادی خویش (مزد بیشتر، ساعات کار کمتر، شرایط کار بهتر) متمرکز سازد و عمل سیاسی را به تعویق اندازد، تاکید داشت.

واژه «اکنونیسم» را اولین بار لنین در اعتراض سوسیال دمکراتهای روس (۱۸۹۹) و چه باید کرد؟ (۱۹۰۲) علیه این گرایش به کار گرفت. او آن را چون شکلی از «رویزیونیسم» و «اپورتونیسم» معرفی کرد، چرا که او امر مبارزه سیاسی و انقلاب را، از لحاظ اهمیت اگر نه بالاتر حداقل همپراز مبارزه اقتصادی می دانست. به عقیده لنین مبارزات اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک، چون سه شکل اصلی مبارزه طبقاتی کارگران، سه مجرای دایمی مبارزه طبقاتی آنهاست و عمده - غیر عمده کردن هر یک امری انحرافی است. در هر لحظه از مبارزه طبقاتی می باید ارتباط تنگاتنگ این سه شکل مبارزه را، چون یک کل حفظ کرد. تفاوت روش او با روش اکنونیستها در شرکت در مبارزات اقتصادی کارگران، اما

این بود که او به سیاسی - ایدئولوژیک ساختن این مبارزات اقتصادی در راستای انقلاب اجتماعی تاکید داشت، در حالی که اکنونیستها، با محدود کردن مبارزه کارگران به خواسته های اقتصادی، صرفا طالب «رفرم» بودند. در مبارزه علیه اکنونیستها بود که لنین تئوری انقلابی حزب آهنین کارگران را پیرامون تشکیل «سازمان انقلابیون حرفه ای» و مبارزه برای استقرار آن در سازمان کارگران انقلابی، و نهایتا در طبقه آبدیده کرد.

تجدید نظر طلبی «رویزیونیستها» در اصول سوسیالیسم علمی، البته، ریشه در تجدید نظر طلبی آنان در شناخت شرایط عینی موجود («اوضاع جدید») و به ویژه در تجدید نظر در تئوری ارزش اضافی مارکسیستی دارد که خود ناشی از انحرافات در درک غیر مارکسیستی (غیر مادی) از تاریخ و درک غیر ماتریالیستی (غیر دیالکتیکی) در حوزه فلسفه است. از این رو، رویزیونیسم هم در روش، هم در نظر و هم در تجربه، در مارکسیسم تجدید نظر میکند. در میان آثار لنین در مبارزه علیه رویزیونیسم «مارکسیم و رویزیونیسم» ۱۹۰۸، «مسائل مورد مشاجره» ۱۹۱۳ و «انقلاب پرولتری و کائوتسکی مرتد» از بیشترین اهمیت برخوردارند. رویزیونیسم هم در شکل راست روی و هم در شکل ظاهرا چپ بروز میکند. رویزیونیسم در عرصه مبارزه روزمره ی کارگران به اوکونومیسم روی آورده و بر مبارزه و رقابت اقتصادی» تاکید می ورزد و، از طریق تجدید نظر در تئوری لینی حزب، از زیر وظیفه ی عظیم تشکیل حزب کمونیست شانه خالی میکند.

رویزیونیسم

«رویزیونیسم» تجدید نظر تئوریک در مبانی مارکسیم - لنینیسم چون روش علمی رهایی کارگران، به بهانه «تغییر اوضاع» است. رویزیونیسم انعکاس نفوذ بورژوازی در جنبش انقلابی طبقه کارگر است. بنیانگذار «رویزیونیسم»، ادوارد برنشین، عضو حزب سوسیال دموکرات آلمان بود که در دهه ی ۱۸۹۰ از مارکسیسم انقلابی روی برتافت و در «مارکسیسم تکامل گرا» در ۱۸۹۹، به بهانه «تغییر اوضاع» در مارکسیسم تجدید نظر کرد. به دنبال او، کائوتسکی، یکی دیگر از رهبران حزب سوسیال دموکرات آلمان، به رویزیونیسم گروید. رویزیونیسم در «اوضاع جدید» امکان گذار مسالمت آمیز به سوسیالیسم از طریق مبارزات صنعتی، پارلماناریستی و آزادیهای دموکراتیک را می پذیرد. و از

یادداشتی درباره فمینیسم

ادامه از صفحه ۱۰

دنبال زرق و برق دنیای اطراف است، کاملاً جهت‌دار شده و از معنی تهی گشته، و آنجاست که زنی که خانه‌اش را بر سرش خراب کرده‌اند و مرده است را نمی‌بینند؛ کودکی که در میانه‌ی کودکی مجبور به ازدواج با مردی میان‌سال می‌کنند و عمرش را تابه می‌گردانند؛ نمی‌بینند؛ اما برای دو جوان که بر بام‌ها یکدیگر را می‌بوسند، درحالی‌که می‌دانند در یک حکومت مذهبی تمامیت‌خواه و ظالم زندگی می‌کنند [که گشت ارشاد در خیابان به راه می‌اندازد] به-طور محرز و مشخص با این حرکت برخورد خواهد شد؛ و باز هم ماجراجویانه به‌کار خود می‌پردازند، کمپین بوسه به‌راه می‌اندازند و یا به رویای زلف بر باد دادن، صدها نفر را راهی زندان‌ها می‌کنند [و یواشکی آزادی می‌کنند (!)]. و اینگونه است که دغدغه‌هایشان از مسائل اصلی و بنیادی که به حیات و آینده-ی زنان و کودکان و جوانان بستگی دارد، به مسائل تزئینی و روبنایی تبدیل می‌شود و خواسته‌ها کوچک و کوچک‌تر می‌شود تا جایی که از معنی تهی گردد.

شیرین

۲۳/۷/۹۹

نظام سوسیالیستی تجلی سازماندهی نوین جامعه ای است که مبانی آن پاسداری از حقوق انسانی و ایجاد شرایط رشد تمامی آحاد و اعضای جامعه بشری می باشد. جامعه ای که هدف آن آزادی واقعی بشریت از تمامی قیود و مصائبی است که نظامهای طبقاتی تاکنونی به پای بشریت زنجیر کرده اند. این نظام اشتراکی تنها به تغییر در مناسبات اقتصادی و سیستم اداره جامعه خلاصه نمی شود. بلکه بطور همزمان وسیع ترین و پیگیر ترین آزادیهای سیاسی و دستیابی به ارزشهای فرهنگی مناسب با این ساختار اقتصادی - اجتماعی را بوجود میآورد.



کارگران پیشرو و مبارزین
راه آزادی و سوسیالیسم .
تلاش جهت وحدت جنبش
کمونیستی یک وظیفه مبرم است .
برای سرنگونی انقلابی رژیم
جمهوری اسلامی و برقراری
سیستم اقتصادی. اجتماعی نوین
مبتنی بر شوراها در یک جبهه
انقلابی متحد شویم.

کارگران پیشرو و مبارز!

با سازماندهی کمیته های مخفی کارخانه. هسته های سرخ و با تلفیق فعالیت علنی و مخفی به توده کارگران در جهت ایجاد شکل های مستقل و تحقق خواسته های فوری شان یاری رسانید.

آخرین اطلاعیه ها . نشریات و اسناد سازمان اتحاد فدائیان کمونیست را در

سایت <https://fedayi.org> و همچنین کانال تلگرامی

<https://t.me/fedayi1349> دریافت کنید .

تماس با سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

روابط عمومی سازمان

webmaster@fedayi.org

کمیته آذربایجان

azer@fedayi.org

کمیته تهران

Tehran@fedayi.org

کمیته کرج

karaj@fedayi.org

کمیته کردستان

kurdistan@fedayi.org

کار، مسکن، آزادی، جمهوری فدراتیو شورائی!